

حمل و تحویل تحت نظارت، راهبرد موفق سیاست جنایی در پیشگیری از قاچاق بین‌المللی کالا

رضا سلامت^۱؛ علی صفاری^۲؛ زکبه برزکار^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

چکیده

با جهانی‌شدن جرم قاچاق کالا، ناکارآمدی رویکردها و راهکارهای حقوق کیفری در پیشگیری و مبارزه با این بزه، بیش‌ازپیش نمایان گردید؛ به‌طوری‌که کشورهای مختلف جهان، حتی کشورهای مخالف جهانی‌شدن نیز به اهمیت اتخاذ یک سیاست جنایی مؤثر و متناسب پی بردند. ویژگی‌هایی مانند فراملی بودن و سازمان‌یافته بودن این جرم جز در پرتو سیاست جنایی هماهنگ و بین‌المللی، قابل‌تقلیل و کنترل نیست. «حمل و تحویل تحت نظارت» محموله‌های مجرمانه از جمله راهکارهایی است که در اسناد بین‌المللی خاصی به آن اشاره شده است و امکان دستگیری کلیه گروه‌های مجرمانه دخیل در ارتکاب یک جرم در سطح فراملی فراهم‌شده و به‌جز هماهنگی دولت‌های عضو در این زمینه امکان‌پذیر نخواهد شد. با گسترش جهانی‌شدن بزهکاری در بستر جهانی‌شدن اقتصاد و فرهنگ، به‌تدریج جرائم فراملی در قالب گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، روند رو به رشدی داشته و به‌سرعت توجه همگان را به خود جلب نمود. از جمله مصادیق جرائم سازمان‌یافته فراملی، می‌توان به تطهیر عوامل ناشی از جرم قاچاق کالا اشاره نمود؛ که یکی از نمونه‌های تحول حقوق کیفری در تعامل با اسناد بین‌المللی است. این تحولات شامل تغییراتی است که در نوع نگاه به اصل صلاحیت سرزمینی اتفاق افتاده و تحت تأثیر اسناد بین‌المللی موجب تأسیس حقوقی جدیدی با عنوان «حمل و کنترل تحت نظارت» در قوانین کشورهای جهان شده است.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، پیشگیری وضعی، حمل و تحویل، تحت ترانزیت، جرم قاچاق؛

۱. معاون پیشگیری اداره کل پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۳. وکیل دادگستری

مقدمه

اتخاذ یک سیاست جنایی مؤثر و هماهنگ که همواره خلأ آن از عمده‌ترین عوامل ارتکاب جرائم در سطح فراملی و بین‌المللی و در قالب سازمان‌یافته تلقی می‌شود و در پرتو اعمال و اجرای این قاعده، یعنی حمل و تحویل تحت نظارت خنثی‌شده و حداقل روند صعودی خود را از دست خواهد داد، لیکن نیل به این هدف جز در پرتو همکاری و هماهنگی کشورهای مختلف محقق نخواهد شد. این در حالی است که متأسفانه در میان دولت‌های عضو نیز کشورهایی هم می‌باشند که به‌رغم عضویت در این کنوانسیون^۱ از یک‌سو و محل عبور یا مقصد قرار گرفتن آن‌ها از سوی دیگر، حمل و تحویل تحت نظارت را وارد نظام کیفری خود ننموده و در مبارزه مؤثر با این جرم با کشورهای دیگر به همکاری نمی‌پردازند، یعنی با اخذ اطلاعاتی از یک محموله وسیع قاچاق صرف‌نظر از تولید آن در کشور و یا ورودش در جهت عبور از آن کشور و یا حتی مقصد قرار گرفتنش فوراً وارد عملیات کشف و دستگیری شده و به‌طور مقطعی و ناقص به کشف و دستگیری عوامل آن و ضبط محموله می‌پردازد. خود همین امر مانعی در مبارزه مؤثر و هماهنگ در مبارزه با این جرم است. پس مهم‌ترین مانع بر سر راه مبارزه متناسب با خصایص بزهکاری جهانی شده را باید در واکنش دولت‌های مختلف جست‌وجو نمود.

حمل و تحویل تحت نظارت محموله به‌عنوان یکی از فنون تحقیقاتی ویژه، تاکتیکی است که طبق آن، دولت‌هایی که مبدأ، محل عبور و یا مقصد قاچاق قرار می‌گیرند، موظف می‌باشند که محموله قاچاق را از زمان تحویل در کشور مبدأ و در تمامی زمان عبور از کشورهای مختلف تا ورود به کشور مقصد تحت نظارت نامحسوس خود قرار داده و به‌محض ورود به کشور مقصد، هم‌زمان تمامی اعضای دخیل در آن را به‌طور یکجا دستگیر نمایند.

از آنجاکه هدف از تأسیس مذکور این است که مقامات پلیسی - امنیتی کشورهای مسیر عبور قاچاق کالا، با همکاری هم بتوانند کلیه شرکت‌کنندگان در جرم قاچاق را شناسایی و هم‌زمان دستگیر کنند، لذا دولت‌های عبوری نباید طبق روال متعارف و با استناد به اصل صلاحیت سرزمینی، نسبت به دستگیری، تعقیب و محاکمه قاچاقچیان شناسایی‌شده در سرزمین خود اقدام نمایند تا کلیه معاونین و شرکای آن‌ها در

^۱ - ماده ۱۱ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان ۱۹۸۸

کشورهای بعدی و درنهایت در کشور مقصد نیز شناسایی و هم‌زمان دستگیر نمایند. بدین ترتیب، دولت‌ها با اطلاع وقوع جرم در کشور خود، به‌طور داوطلبانه از کشف، تعقیب، محاکمه و مجازات آن به نفع کشوری دیگر، باهدف مبارزه جمعی علیه یک جرم فراملی صرف‌نظر می‌کنند و بدین‌سان به‌نوعی از اعمال حاکمیت خود که با کشف، محاکمه و مجازات بزهکاران صورت می‌گیرد، به نفع دولت دیگر منصرف می‌شوند. بدیهی است که این تأسیس موجب برداشت جدیدی از اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری و نیز قرائت جدیدی از حاکمیت دولت‌ها در بعد کیفری و قضایی شده است. برنامه حمل و تحویل تحت نظارت از زمان تأسیس بیش از ۳۰ واحد عملیاتی کنترل بنادر در ۱۷ کشور در سراسر دنیا ایجاد کرده است که منجر به افزایش چشمگیری در کشف کالای قاچاق، مواد مخدر و دیگر کالاهای غیرمجاز شده است.^۱

پیشگیری وضعی از انجام کامل جرم قاچاق کالا، در این میان، بسیار مهم است. بزرگ‌ترین خطری که روش «حمل و تحویل تحت نظارت» را به‌مثابه سیاست جنایی پلیسی مطلوب در قبال قاچاق کالا تهدید می‌کند، بی‌دقتی در حسن اجرای روش پیشگیری وضعی و فرصت‌محور از این جرم است. حمل و تحویل تحت نظارت از جمله روش‌های پیشگیری وضعی قاچاق کالا در اسناد بین‌المللی به‌عنوان روشی در خنثی‌سازی روش‌های جدید ارتکاب جرم پیش‌بینی شده است. در این مقاله، ابتدا به بحث انواع قاچاق‌های قابل پیشگیری از طریق روش حمل و تحویل تحت نظارت و سپس نحوه اجرای عملیات حمل و تحویل تحت نظارت اشاره خواهد شد و در ادامه اصل صلاحیت سرزمینی یا درون‌مرزی و در آخرین بحث به شیوه دام‌گستری خواهیم پرداخت.

۱) انواع قاچاق‌های قابل پیشگیری از طریق روش حمل و تحویل تحت

نظارت

این مبحث طی دو گفتار با تشریح مبادی ورودی قاچاق کالا از نقطه مبدأ و سپس به بررسی مرزهای خارج از کنترل مرزبانان کشورهای مجاور ایران پرداخته و به تحلیل آن‌ها می‌پردازد:

^۱ - گزارش دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل در تهران، ۱۴ فوریه ۲۰۱۴، پورتال ستاد مبارزه با مواد مخدر

۱-۱) مبادی ورودی بدون نظارت گمرکی

تعداد زیادی مبادی ورودی و خروجی در مرزهای زمینی و هوایی و دریایی کشور وجود دارد که گمرک بر آنها نظارتی ندارد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده ده‌ها اسکله در استان هرمزگان و چابهار وجود دارد که ممکن است کشتی‌هایی در آنجا مبادرت به تخلیه یا بارگیری کالاهای قاچاق بنماید. همچنین درب‌های متعددی منتهی به باند فرودگاه‌های بین‌المللی از جمله فرودگاه بین‌المللی مهرآباد وجود دارند که تحت عنوان گمرک نمی‌باشند و احتمالاً این درب‌ها می‌توانند به‌عنوان مبادی ورود و خروج کالای قاچاق مورد استفاده قرار گیرند. یا بعضی اماکن و محل‌هایی است که به‌صورت هدفمند، گسترده و سازمان‌یافته به امر قاچاق پرداخته و بدون هیچ‌منعی، به مرکز خرید و فروش خرد و کلان کالاهای قاچاق تبدیل شده‌اند و متأسفانه هر روز به تعداد آنها افزوده می‌شود. اماکنی چون: روستای گچین، گیله شین، بانه و حتی برخی از بازارهای مهم تهران، در زمره‌ی این نقاط آلوده و مصادیق آشکار به قاچاق کالا قرار می‌گیرند. مهم‌ترین ویژگی این اماکن، اشتغال آشکار به فعل غیرقانونی قاچاق و همچنین معروف شدن این مناطق به مرکز خرید و فروش کالاهای قاچاق است. این اماکن عموماً در طی سال‌های اخیر، به‌صورت بازارها، بازارچه‌ها و یا غرفه‌های موقت در برخی نواحی کشور ایجاد شده‌اند. متأسفانه به‌واسطه‌ی سوء مدیریت و عدم توجه برخی مسئولین محلی، نقاط و محورهای آلوده به قاچاق در سطح کشور افزایش یافته و این امر باعث گستاخ شدن قاچاقچیان و توسعه‌ی فعالیت‌های غیرقانونی در نتیجه‌ی عدم برخورد جدی با آنان شده است که این موضوع در نوع خود، تهدیدی علیه کسب‌وکار سالم به شمار می‌رود.

حاصل شکل‌گیری چنین اماکنی علاوه بر ناهنجاری‌های اقتصادی مثل برهم خوردن نظم بازار، ایجاد اختلاف طبقاتی و رقابت‌های ناسالم اقتصادی در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، ایجاد بستر سوءاستفاده‌ی افراد و شبکه‌های قاچاق، رواج مصرف‌گرایی و مشاغل کاذب و... می‌شود، جنبه‌های دیگری نیز دارد که شاید اهمیت بیش‌تری نسبت به مضرات اقتصادی آن داشته باشد. یکی از تأثیرات مخرب مظاهر آشکار قاچاق، اولاً از بین رفتن قبح فعل قاچاق و رواج کسب حرام است که بی‌تردید باعث رواج بسیاری از جریان‌ها و انحرافات و معضلات دیگر می‌شود. در ثانی وجود این مظاهر علنی قاچاق کالا، زمینه‌ی بهینه‌سازی لازم برای سرویس‌های خبرپراکنی منطقه‌ای و جهانی، جهت

نمایش ناتوانی نظام و دستگاه‌های مسئول را نیز فراهم و فرصت ضربه به اقتدار ملی را مهیا می‌سازد. از سوی دیگر، حامیان و طراحان چنین اماکنی، در صورتی که با این مظاهر برخورد قانونی صورت پذیرد، اقدام به سیاه‌نمایی و تبلیغ تقابل مسئولین با اقشار مردم را می‌نمایند. تا جایی که متأسفانه برخی از مسئولین محلی نیز با عدم درک تبعات ملی وجود چنین اماکنی، برخورد جدی و پاک‌سازی این مناطق را غیرممکن و باعث ایجاد ناامنی دانسته و حتی وجود آن‌ها را کمک به معیشت مردم می‌دانند.

۲-۱) مرزهای خارج از کنترل مرزبانان کشورهای مجاور ایران و مبدأ قاچاق کالا

کشور ایران دارای ۸۷۵۵ کیلومتر مرز آبی و خاکی است که از این مقدار ۲۷۰۰ کیلومتر آن آبی - دریایی و ۲۰۱۸ کیلومتر رودخانه و مابقی مرز خاکی است. برخی مسائل همانند عدم نظارت و کنترل کافی و دقیق، کمبود امکانات و تجهیزات، ناهماهنگی بین نیروی انتظامی مرزبان با دیگر نیروهای مسلح و وجود محورهای متعدد ورود و خروج در برخی مناطق نوار مرزی باعث شده که مرزهای کشور همواره جولانگاه قاچاقچیان قرار گرفته و هر نوع کالای قاچاق وارد و یا از کشور خارج شود (رشیدی، ۱۳۹۶). به بیان دیگر وسعت حاشیه مرزی کشور، همچنین تنوع و کثرت اقلیم جغرافیایی در نوار مرزی و استقرار اقوام مختلف در نواحی آن و نیز تعدد کشورهای همسایه که غالباً بی‌ثبات بوده و از لحاظ امنیت دچار چالش‌های جدی می‌باشند و قرار گرفتن ایران در قلب مسیرهای اصلی شرق و غرب و شمال غرب موجب شده تا تردد مرزی بسیاری از نقاط مختلف صورت گیرد و با توجه به حجم مترددین، معابر و منافذ متعددی به سهولت در جدار مرزها به وجود آید و در نتیجه اقداماتی همچون تجهیز واگذاری امکانات فنی کنترل مرزی و تکمیل آن‌ها با ایجاد موانع فیزیکی مانند سیم‌خاردار، حفر کانال، ایجاد اشتغال پایدار برای مرزنشینان، گسترش و تعمیق فعالیت‌های فرهنگی در جهت تغییر عادات و باورهای مرزنشینان در سنوات گذشته، کم‌رنگ و اهداف اساسی این اقدامات بی‌اثر شود. یکی از دلایل ورود و خروج کالای قاچاق به ایران را می‌توان عدم کنترل و نظارت مرزها توسط برخی از کشورهای همسایه ذکر کرد. برای مثال، پس از جنگ خلیج فارس دولت مرکزی عراق حاکمیت خود را بر مناطق شمالی این کشور

از دست داده و بدین ترتیب راه برای ورود و یا خروج کالای قاچاق از این مناطق به ایران یا بالعکس هموار شده است. یا در حال حاضر و جود جنگ‌های داخلی در ترکیه و یا افغانستان و پاکستان که به واسطه حضور طالبان و گروه‌های تروریستی قادر به کنترل مرزهای خود نیستند و افراد سودجو با بهره‌گیری از این فرصت‌ها اقدام به قاچاق کالا به ایران می‌نمایند.

۲) نحوه اجرای عملیات حمل و تحویل تحت نظارت

اغلب کشورها تحت تأثیر اسناد بین‌المللی (ماده ۱۱ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸) برای مبارزه مؤثرتر علیه جرم قاچاق مواد مخدر که جنبه سازمان‌یافته و بین‌المللی به خود گرفته است و حمل این مواد از محل تولید تا محل مصرف، مستلزم عبور از سرزمین‌های مختلفی است، تأسیس حقوقی جدیدی را با عنوان «حمل و کنترل تحت نظارت» در قوانین خود پذیرفته‌اند.

جمهوری اسلامی ایران، به کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان سال ۱۹۸۸ پیوسته و آن را تصویب هم نموده است، لیکن مفهوم حمل و تحویل تحت نظارت را تاکنون نپذیرفته است؛ در حالی که قاچاق کالا مختص ایران نبوده و تمامی کشورها از آن رنج می‌برند. عامل مهم در عدم پذیرش این مفهوم در کشورهای مختلف به عدول از اصل اعمال صلاحیت سرزمینی برمی‌گردد. ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، ذیل عنوان «فن‌های تحقیقاتی خاص» دولت‌های عضو را در حدود امکانات، اصول نظام حقوقی داخلی و مجموعه قوانین و مقررات خود ملزم به اتخاذ تدابیر مناسب نموده تا مراجع صالح بتوانند در قلمرو آن از تحویل کنترل‌شده‌ی محموله و درجایی که مقتضی به نظر برسد از سایر فنون تحقیقات ویژه مثل فنون نظارت الکترونیکی یا سایر اشکال عملیات مراقبتی و مخفی در جهت مبارزه مؤثر علیه قاچاق سازمان‌یافته‌ی فراملی کالا استفاده‌ی مناسب نمایند. بدیهی است اجرای این روش‌ها که مبین اهمیت هماهنگی میان سیاست جنایی کشورهای مختلف در مبارزه با قاچاق فرامرزی کالا است تا حدی اهمیت دارد. پیشگیری وضعی از امکان ارتکاب قاچاق فرامرزی به صورت خارج از کنترل نامحسوس مراجع انتظامی و قضایی کشورهای مبدأ تا مقصد قاچاق، اهمیتی دوچندان دارد.

¹. Special Investigative Techniques

شدت اهمیت موضوع، آنگاه صدچندان می‌شود که توجه کنیم «حمل و تحویل تحت نظارت» با انعکاس در اسناد بین‌المللی به‌عنوان روشی در خنثی‌سازی روش‌های جدید ارتکاب جرم پیش‌بینی شده است و ازجمله روش‌های پیشگیری وضعی که به‌عنوان روشی مؤثر در مبارزه با قاچاق کالا است، می‌بایست الزاماً در قوانین دولت‌های عضو کنوانسیون‌های پالمو و مریدا پیش‌بینی و اعمال شود.

از سوی دیگر، در تحلیل مافیای بین‌المللی قاچاق کالا، شناخت مفهوم شبکه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ شبکه، یک قالب‌سازمانی است که جهانی شدن را در هر دو حوزه قانونی و غیرقانونی مشخص می‌سازد. برای یک سازمان قاچاق مواد مخدر، ساختار شبکه مانند، مزایای متمایزی را نسبت به ساختار سلسله‌مراتب سنتی دارد. شبکه‌های قاچاق کالا به دو صورت متمایز از فناوری جدید استفاده می‌کنند. این گروه‌ها از فناوری جدید برای بهبود کارایی روش‌های تولید و حمل کالای قاچاق خود بهره می‌برند و در برخی مواقع نیز از فنون ضد حمله در این خصوص استفاده می‌کنند. فناوری‌های جدید، گروه‌های قاچاق کالا را قادر می‌سازد تا جرائم سنتی را با روش‌های جدید مرتکب شوند. برای مثال، اطلاعات مربوط به محموله‌های قاچاق خود را به‌صورت پیام‌های رمزدار ارسال و یا تطهیر پول‌های ناشی از قاچاق مواد مخدر را از طریق انتقال الکترونیکی انجام می‌دهند. قاچاقچیان مواد مخدر از رایانه و تجهیزات الکترونیکی برای ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به شماره حساب‌های بانکی، جزئیات مربوط به همکاران، بانک‌های اطلاعاتی مربوط به اموال و فعالیت‌های مالی، فروش و سایر سوابق کاری و پست‌های الکترونیکی و سایر مکاتبات استفاده می‌نمایند. نمایندگان این افراد از طریق تلفن، نامبر، نامه و یا رایانه، دستورهای لازم را در خصوص تحویل محموله‌ها، معرفی رابط برای سرویس حمل‌ونقل و محل ارسال پول‌های حاصل دریافت می‌کنند. کارت‌های تلفن، رادیوهای با طول موج بلند، سایت‌های ممنوعه اینترنتی، رمزبندی و تلفن‌های همراه، امنیت بیشتری را برای قاچاقچیان به وجود آورده است. اعضاء سازمان‌های قاچاق کالا می‌توانند رایانه‌های خود را برای مقابله با اقدام‌های نیروهای نظامی و امنیتی که در زمینه شناسایی و تحقیقات صورت می‌گیرد، برنامه‌ریزی کنند. پیشگیری وضعی از قاچاق کالا در مقیاس جهانی و به شکل فرامرزی نیازمند پیشگیری وضعی از مقدمات این نوع قاچاق‌های حرفه‌ای و گسترده - یعنی سوءاستفاده‌های سایبری - نیز است و این امر بر اهمیت رابطه تنگاتنگ میان پیشگیری وضعی از جرم قاچاق با روش حمل و

تحویل تحت نظارت می‌افزاید.

از آنجاکه هدف از تأسیس مذکور این است که مقامات پلیسی - امنیتی کشورهای مسیر عبور مواد مخدر، با همکاری هم بتوانند کلیه شرکت‌کنندگان در جرم قاچاق را شناسایی و هم‌زمان دستگیر کنند، لذا دولت‌های عبوری نباید طبق روال متعارف و با استناد به اصل صلاحیت سرزمینی، نسبت به دستگیری، تعقیب و محاکمه قاچاقچیان شناسایی‌شده در سرزمین خود اقدام نمایند تا کلیه معاونین و شرکای آن‌ها در کشورهای بعدی و در نهایت در کشور مقصد نیز شناسایی و هم‌زمان دستگیر گردند. بدین ترتیب، دولت‌ها با اطلاع وقوع جرم در کشور خود، به‌طور داوطلبانه از کشف، تعقیب، محاکمه و مجازات آن به نفع کشوری دیگر، باهدف مبارزه جمعی علیه یک جرم فراملی صرف نظر می‌کنند و بدین‌سان به‌نوعی از اعمال حاکمیت خود که با کشف، محاکمه و مجازات بزهکاران صورت می‌گیرد، به نفع دولت دیگر منصرف می‌شوند. بدیهی است که این تأسیس موجب برداشت جدیدی از اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری و نیز قرائت جدیدی از حاکمیت دولت‌ها در بعد کیفری و قضایی شده است.

با جهانی‌شدن بزهکاری، رویکردها و راهکارهای حقوق کیفری در پیشگیری و مبارزه با این جرائم ناکارآمدی خود را بیش‌ازپیش به نمایش گذاشت؛ به‌طوری‌که کشورهای مختلف جهان، حتی کشورهای مخالف جهانی‌شدن نیز به اهمیت اتخاذ یک سیاست جنایی مؤثر و متناسب پی بردند. ویژگی‌هایی مانند فراملی بودن و سازمان‌یافته بودن این جرائم جز در پرتو سیاست جنایی هماهنگ و بین‌المللی، قابل تقلیل و کنترل نیست. «حمل و تحویل تحت نظارت» محموله‌های مجرمانه از جمله این راهکارهاست که در اسناد بین‌المللی خاصی به آن اشاره شده است که در قالب آن، امکان دستگیری کلیه گروه‌های مجرمانه دخیل در ارتکاب یک جرم در سطح فراملی فراهم شده و البته به‌جز هماهنگی دولت‌های عضو در این زمینه امکان‌پذیر نخواهد شد.

«حمل و تحویل تحت نظارت»، یکی از فنون تحقیقاتی ویژه‌ی راهبر خاصی است که طبق آن، دولت‌هایی که مبدأ، محل عبور و یا مقصد قاچاق فرامرزی کالا قرار می‌گیرند، موظف‌اند محموله قاچاق کالا را در کشور مبدأ و در تمامی زمان‌های عبور از کشورهای مختلف تا ورود به کشور مقصد تحت نظارت نامحسوس خود قرار داده و به‌محض ورود به کشور مقصد، هم‌زمان تمامی اعضای دخیل در آن را به‌طور یکجا دستگیر نمایند؛ زیرا گروه‌های سازمان‌یافته جنایی برای افزایش امنیت فرایند قاچاق، در هر مرحله‌ای از

ارتکاب جرم در کشورهای گوناگون، گروه‌های جدیدی را وارد عملیات نموده و بدین‌سان سعی در گمراه ساختن مقامات قضایی، پلیس و افزایش امنیت در عملیات مجرمانه دارد. «حمل و تحویل تحت نظارت» در پرتو هماهنگی و اتحاد کشورهای مبدأ، محل عبور و مقصد از عوامل مهمی است که به خنثی نمودن عملیات قاچاق در ضمن دستگیری کلیه عوامل دخیل در آن می‌پردازد.

پیشگیری وضعی از انجام کامل جرم قاچاق کالا، در این میان بسیار مهم است. بزرگ‌ترین خطری که روش «حمل و تحویل تحت نظارت» را به‌مثابه سیاست جنایی پلیسی مطلوب در قبال قاچاق کالا تهدید می‌کند، بی‌دقتی در حسن اجرای روش پیشگیری وضعی و فرصت‌محور از این جرم است. از آنجاکه هدف از تأسیس مذکور این است که مقامات پلیسی - امنیتی کشورهای مسیر عبور مواد مخدر، با همکاری هم بتوانند کلیه شرکت‌کنندگان در جرم قاچاق را شناسایی و هم‌زمان دستگیر کنند، لذا دولت‌های عبوری نباید طبق روال متعارف و با استناد به اصل صلاحیت سرزمینی، نسبت به دستگیری، تعقیب و محاکمه قاچاقچیان شناسایی‌شده در سرزمین خود اقدام نمایند تا کلیه معاونین و شرکای آن‌ها در کشورهای بعدی و درنهایت در کشور مقصد نیز شناسایی و هم‌زمان دستگیر گردند. بدین ترتیب، دولت‌ها با اطلاع از وقوع جرم در کشور خود، به‌طور داوطلبانه از کشف، تعقیب، محاکمه و مجازات آن به نفع کشوری دیگر، باهدف مبارزه جمعی علیه یک جرم فراملی صرف‌نظر می‌کنند و بدین‌سان به‌نوعی از اعمال حاکمیت خود که با کشف، محاکمه و مجازات بزهکاران صورت می‌گیرد، به نفع دولت دیگر منصرف می‌شوند. بدیهی است که این تأسیس موجب برداشت جدیدی از اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری و نیز قرائت جدیدی از حاکمیت دولت‌ها در بعد کیفری و قضایی شده است.

۳) اصل صلاحیت سرزمینی یا درون‌مرزی

امروزه، اغلب حقوقدانان پذیرفته‌اند که کشورها در موارد خاصی حق وضع قوانین کیفری برای خارج از قلمرو حاکمیت خود را دارند. این موارد عبارتند از: وقتی که تبعه یک کشور، مرتکب یا قربانی جرم باشد که از آن به ترتیب تحت عنوان اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه نام می‌برند و نیز وقتی که جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور، علیه منافع حیاتی و اساسی آن کشور باشد

که از این مورد تحت عنوان اصل صلاحیت واقعی یاد می‌شود و نهایتاً وقتی که یک کشور، بر اساس معاهده‌های بین‌المللی، حق رسیدگی به جرم ارتكابی مجرم خاصی را که در قلمرو حاکمیت او دستگیر شده، داشته باشد. از این مورد هم تحت عنوان اصل صلاحیت جهانی یاد می‌شود. نکته مهم دیگر در بحث از صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت این است که این توسعه صلاحیت، به معنای مداخله در امور سایر کشورها نبوده و هیچ‌صدمه‌ای به حاکمیت دول بیگانه وارد نمی‌کند، چراکه این توسعه صلاحیت صرفاً به معنای این است که کشورها، در این موارد خاص، حق رسیدگی قضایی طبق قوانین خود را برای خود قائل می‌شوند؛ اما هرگز به این معنا نیست که این کشورها حق داشته باشند برای اعمال صلاحیت خود، اقداماتی در قلمرو حاکمیت کشورهای دیگر انجام دهند؛ مثلاً مأموران خود را برای دستگیری مجرمین به کشورهای دیگر بفرستند. در حقوق کیفری برخی کشورها، برای اعمال اصل صلاحیت شخصی، شرایطی را مانند مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل و عدم رسیدگی قبلی در نظر گرفته‌اند که در حقوق کیفری ایران این شرایط در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که اعمال مطلق (بدون قید و شرط) این اصل علاوه بر اینکه مغایر حقوق جزای بین‌الملل است، نفعی هم برای دولت ایران در بر ندارد. در مورد اصل صلاحیت واقعی موضع حقوق کیفری ایران تفاوت چندانی با موضع کشورهای دیگر ندارد، جز اینکه با توجه به اهمیت و شدت جرائم موضوع این اصل، کشورها اعمال مطلق (بدون قید و شرط) آن را به نفع خود دانسته و برای اعمال آن هیچ‌شرطی را در نظر نمی‌گیرند، در حالیکه در حقوق ایران برای اعمال این اصل شرط «یافت شدن یا استرداد به ایران» در نظر گرفته است. در مورد اصل صلاحیت جهانی، موضع حقوق ایران تفاوت چندانی با موضع سایر کشورها ندارد. نهایتاً اینکه مقنن ایران اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه را نپذیرفته است. در حالیکه کشورهای زیادی این اصل را پذیرفته‌اند و پذیرش آن علاوه بر اینکه مغایر حقوق جزای بین‌الملل نیست، مغایرتی با موازین شرعی نیز ندارد. بعلاوه به نظر می‌رسد که عدم پذیرش این اصل خلاف منافع ملی کشور است.

۱-۳) صلاحیت سرزمینی

اصل صلاحیت سرزمینی مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل صلاحیتی است که بر دیگر اصول

مقدم است، یعنی دولتی که جرم در سرزمین آن واقع شده است، برای تعقیب کیفری جرم ارتكابی و مرتكب آن صالح است. سایر اصول (اصل صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت جهانی و...) به نوعی مکمل و به نوعی استثنایی بر این اصل محسوب می‌شوند (سلیمی، ۱۳۹۴).

این اصل در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، بدین شرح بیان شده است: «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتكب جرم شوند اعمال می‌گردد، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». شاید این سؤال مطرح شود که چرا سایر اصول استثناء بر این اصل محسوب می‌گردند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: اگر هر جرمی که در قلمرو یک کشور واقع شده است در صلاحیت آن کشور باشد و هر جرمی که در خارج از قلمرو آن واقع می‌شود در صلاحیت آن نباشد، دیگر نیازی به اصول دیگر نیست. از سوی دیگر، در پاسخ به این پرسش که چرا سایر اصول به نوعی مکمل این اصل می‌باشند باید اظهار داشت که برخی مواقع، دولت محل وقوع جرم، تمایل، نفع یا توان محاکمه و مجازات مرتكب جرم را ندارد. در این مواقع است که سایر اصول نقش تکمیلی ایفاء می‌کنند (همان). در خصوص دلایل اولویت دادگاه و قانون محل ارتكاب جرم، به چند مورد می‌توان اشاره کرد:

- مهم‌ترین دلیل این است که جرم در هر سرزمینی که واقع می‌شود، در حقیقت نظم عمومی همان جامعه را مختل می‌کند و همان جامعه حق دارد برای برقراری و تأمین نظم عمومی، به تعقیب جرم ارتكابی بپردازد.
- از نظر کشف و اثبات جرم، دسترسی به مجرم و مجنی علیه، شهود، دسترسی به آثار جرم نیز این اولویت کاملاً موجه به نظر می‌رسد.
- هدف عبرت‌انگیز بودن کیفر بهتر تأمین می‌گردد و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲).

۲-۳ خصوصیات اصل صلاحیت سرزمینی

این اصل دارای دو خصوصیت است:

الف) جنبه مثبت: یعنی اینکه کلیه افراد داخل کشور را در برمی‌گیرد.

ب) جنبه منفی: یعنی اینکه شامل افراد خارج از قلمرو حاکمیت نمی‌شود.

۳-۲-۱) مفهوم سرزمین

سرزمین از نظر حقوق بین‌المللی، شامل خشکی، دریای سرزمینی و فضای بالای آب و بستر و زیر بستر دریای سرزمینی است. همچنین جزایر، شبه جزایر و صخره‌ها نیز جزء سرزمین محسوب می‌شوند (سلیمی، ۱۳۹۴، ص ۳۵). بنابراین، دریای سرزمینی و اراضی کف و فضای بالای آن تابع حاکمیت آن دولت است. دریای سرزمینی ایران که ۱۲ مایل (هر مایل ۱۸۵۲ متر) است و آب‌های واقع بین جزایر متعلق به ایران چنانچه فاصله آن‌ها از خط مبدأ از ۱۲ مایل تجاوز نکند جزء آب‌های ساحلی محسوب می‌شود.

۳-۲-۲) کشتی‌ها

جرائم ارتكابی داخلی کشتی‌هایی که در حال عبور از دریای سرزمینی می‌باشند، اصولاً تابع قانون کشور متبوع کشتی می‌باشند، اما استثنائاتی نیز وجود دارد که ماده ۱۰ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ به آن‌ها می‌پردازد: «صلاحیت کیفری تعقیب، رسیدگی و مجازات جرائم ارتكابی در کشتی‌های در حال عبور از دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران است:

- چنانچه اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران باشد.
- چنانچه جرم ارتكابی محل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد.
- چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب‌پرچم کشتی تقاضای کمک و رسیدگی نماید.
- چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ضروری باشد.»

هم‌چنین ماده ۱ قانون مناطق دریایی اعلام می‌دارد: «حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدأ که دریایی سرزمینی نامیده می‌شود، نیز حاکمیت دارد. این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی، بستر و زیر

بستر دریایی سرزمینی است». افزون بر این وفق تبصره ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مقرر داشته «چنانچه وسایل نقلیه حامل کالای ممنوع، به آب‌های تحت نظارت جمهوری اسلامی ایران داخل و از طریق قرائن و اماراتی حرکت به مقصد ایران از مسیر غیرمجاز احراز شود، حامل ولو اینکه دو یا چند فهرست کل بار (مانیفست) داشته باشد به مجازات شروع به جرم موضوع این ماده محکوم می‌شود. همین حکم در مواردی که کالای قاچاق ممنوع در آب‌های تحت نظارت ایران از وسایل نقلیه مزبور به شناورهای ایرانی منتقل شود نیز جاری است». تحت عنوان مجازات شروع به قاچاق قابل‌رسیدگی خواهد بود (سلامت، ۱۳۹۴).

در مورد کشتی‌های جنگی، طبق ماده ۸ قانون نظارت در دریاها ۱۳۱۳، رسیدگی به جرائم ارتكابی در کشتی‌های جنگی در صلاحیت دولت صاحب‌پرچم است و قوای ساحلی وقتی حق مداخله دارند که عملیات کشتی جنگی خصمانه باشد، از قبیل حمل سلاح و مهمات و لوازم جنگی یا پناه دادن به فراریان جنگی. همان‌طور که قبلاً بیان شد، فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی کشور صاحب‌پرچم کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی که در آن جرمی واقع شده است، می‌توانند از مقامات کشور ساحلی تقاضای مداخله و رسیدگی نمایند. حال این سؤال ممکن است مطرح شود که در صورت اختلاف بین فرمانده کشتی و نماینده سیاسی (کشور صاحب‌پرچم کشتی) در خصوص درخواست کمک از مقامات کشور ساحلی، کدام نظر را باید مقدم دانست؟

در پاسخ ۲ فرض متصور است:

فرض اول) نظر مقام سیاسی باید مقدم باشد، به این دلیل که احتمال دارد خود فرمانده با مرتکبین همراه باشد و با آن‌ها همکاری کند و به عبارت دیگر، تابع قواعد و قوانین و دستورات کشور متبوع خود نباشد.

فرض دوم) احتمال دارد که فرمانده کشتی گروگان باشد یا تحت فشار نتواند چیزی بگوید و امکان استمداد از سوی او وجود نداشته باشد.

با توجه به این دو فرض می‌توان نتیجه گرفت که بهتر است در فرض اختلاف میان فرمانده کشتی و نماینده سیاسی کشور صاحب‌پرچم کشتی، نظر نماینده سیاسی او اولویت داشته باشد (سلامت، ۱۳۹۴).

۳-۳) استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی

اصولاً، هرکس در سرزمین جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شود، به موجب قوانین این کشور قابل تعقیب و مجازات است، مگر در مورد استثنائی که دو مورد را در برمی گیرد و شامل مصونیت دیپلماتیک و مصونیت ناشی از وظایف نمایندگی می شود. همان طور که در قبل نیز اشاره گردید، مطابق ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «چنانچه وسیله حامل کالای ممنوع به آب های تحت نظارت جمهوری اسلامی ایران داخل یا قبل از ورود از طریق قرائن و اماراتی حرکت به مقصد ایران احراز شود و یا اقداماتی فوق با همکاری شناورهای ایرانی انجام شود، حامل به مجازات شروع به جرم موضوع این ماده محکوم می شود.» که به نوعی تأکید بر اصل موصوف است. در مورد اصل صلاحیت سرزمینی بودن قوانین جزایی مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر شده است. «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی کشور ایران مرتکب جرم شوند اعمال می شود، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» با توجه به ماده اخیر که عنصر قانونی آن کاملاً بر اساس کلیه اشخاص است؛ بدین معنی است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ اشخاص چه حقیقی و چه اشخاص حقوقی (شرکت، موسسه و قانون...) که در قلمرو حاکمیت زمینی دریایی و هوایی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می شود، نکته قابل توجه آن است که در قانون قدیم مصوب ۱۳۷۱ این ماده درباره فقط اشخاص حقیقی (چه ایرانی یا خارجی) اعمال می شد، زیرا که به جای «اشخاص» کلمه «افراد» به کار برده شده بود، در حالیکه مطابق قانون جدید علاوه بر افرادی که در ایران بسر می برند شرکت و مؤسساتی (چه خارجی و چه ایرانی و) نیز چنانچه مرتکب شوند مطابق این قانون مجازات می شوند و نیز مطابق ماده ۴ قانون مجازات اسلامی چنانچه قسمتی از جرم یا نتیجه جرم در ایران اتفاق افتاده باشد در حکم جرم واقع شده در ایران است. قلمرو (اصل صلاحیت شخصی بودن قوانین جزایی در خارج از ایران) ماده ۷ قانون مجازات جدید مصوب ۹۲/۲/۱ که اصل شخصی بودن قوانین جزایی را مطرح می کند... هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود. مشروط بر اینکه:

- رفتار ارتكابی به موجب قانون ایران جرم باشد.
 - در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات، کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.
 - طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.
- نکته قابل توجه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ این است که در این ماده اصل ممنوعیت از مجازات مضاعف پیش‌بینی شده است، یعنی شخص مرتکب دو بار مجازات نمی‌شود و مستند آن بند ب این ماده است که عنوان شده «متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد».

۳-۳-۱) مصونیت دیپلماتیک

مصونیت دیپلماتیک و کنسولی به معنی در امان بودن دارنده آن از تعقیب و اجرای قانون دولت پذیرنده یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل دیپلماتیک و کنسولی است که استثناء بر اصل صلاحیت ارضی و سرزمینی کشورها محسوب می‌شود. دولت‌ها در اعمال قدرت حاکمه بر همه اشخاص و اموال واقع در قلمرو خود با رعایت موازین حقوق بین الملل و از مجاری قانون داخلی آزادی کامل دارند که به صلاحیت تدوین و تصویب و اجرای قانون ملی تعبیر می‌شود. یکی از ابعاد این صلاحیت‌ها صلاحیت اراضی و سرزمینی است که در داخل سرزمین اجرا می‌گردد. دولت‌ها برای حفظ و بقاء و تداوم الزامی روابط دیپلماتیک مجبور می‌باشند تا استثناء بر این اصل را پذیرفته و بعضی از اشخاص سیاسی و اداری حکومت‌های بیگانه داخل قلمرو خود را از اجرای این صلاحیت معاف کنند و به این معافیت‌ها در قالب معاهدات بین المللی عینیت بخشیدند. قانونمند کردن این استثنائات موضوع دو کنوانسیون بین المللی مانند کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (فرودین ۱۳۴۰) و نیز کنوانسیون وین راجع به روابط کنسولی ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ (اردیبهشت ۱۳۴۲) است که دولت ایران به عضویت هر یک از آنها درآمده است و مفاد آنها طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون داخلی ایران محسوب می‌شود. این دو کنوانسیون که دربرگیرنده مصونیت‌های قضائی اعم از مدنی و جزایی و اداری است، همان استثنائات قسمت اخیر ماده ۵ قانون مدنی و

ماده ۳ قانون مجازات اسلامی است که مواد هر یک از آن دو تمامی افراد مقیم و ساکن قلمرو جمهوری اسلامی ایران را مشمول مقررات مدنی و جزائی دولت ایران می‌دانند، مگر در موارد قانونی مستثنا شده باشند. مطابق این دو کنوانسیون مصونیت دیپلماتیک و مصونیت کنسولی به تبع شخصیت افراد دیپلمات و کنسولی و مکان دیپلماتیک و کنسولی برقرار شده است. اعمال مصونیت‌ها مستلزم شناخت افراد و مکان‌ها و اعمال حقوقی و نیز جرائمی است که از آن مصونیت برخوردار می‌شوند (پورنوری، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

۲-۳-۲) مصونیت ناشی از وظایف نمایندگی

اصل تعرض ناپذیری در مورد نمایندگان در ایران به طور مطلق پذیرفته نشده و در صورت ارتکاب جرائم عادی توسط آن‌ها (نمایندگان مجلس) قابل تعقیب می‌باشند و منظور از جرائم عادی، جرائمی غیر از ایفای وظایف نمایندگی است. رسیدگی به جرائم نمایندگان مجلس در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران است (پورنوری، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

۴) تحول شیوه «حمل و تحویل تحت نظارت» به روش ترکیب این روش با شیوه «دام‌گستری»

کشف جرم^۱ و دستگیری متهمین از عمده وظایف مأمورین نظامی یا انتظامی در مقام ضابط دادگستری محسوب می‌گردد که در برخی مواقع این مأمورین به روش‌هایی چون ظاهرسازی، فریب^۳ و تحریک^۴ و اغفال^۵ فرد رو می‌آورند که در اصطلاح این طرق کشف جرم را دام‌گستری نام نهاده‌اند (پورنوری، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

۱-۴) شیوه دام‌گستری

کشف جرم به روش دام‌گستری یا تحریک به ارتکاب جرم به این طریق به صور گوناگونی محقق می‌گردد که در تمام این طرق چنانکه بیان گردید پلیس باید هویت خود را مخفی نگه دارد، بدین صورت که با ظاهرسازی و فریبکاری خود را در قالب فرد

^۱. Policing

^۲. Entrapment

^۳. Deception

^۴. Provocation

^۵. Delusion

دیگر قرار داده و به این طریق فرد را در تشخیص هویت خود دچار شبهه کند. یکی از موارد به کارگیری دام‌گستری این است که پلیس خود را در قالب بزه دیده قرار می‌دهد، مثل موردی که مأمور پلیس خود را طعمه آدم‌ربایی یا کلاهبرداری قرار داده تا در حین انجام عمل یا پس از آن فرد مرتکب را دستگیر نماید.

از موارد دیگر دام‌گستری تسهیل وقوع جرم^۱ توسط مأمور پلیس است. به‌عنوان مثال مأمور پلیس مواد مخدر موردنیاز متهمین قاچاق مواد مخدر را در دسترس آنان قرار می‌دهد و به هنگام حمل مواد آنان را دستگیر می‌نماید. همان‌طور که ذکر گردید، تسهیل وقوع جرم زمانی به‌عنوان دام‌گستری مطرح می‌گردد و می‌تواند در مسئولیت مرتکب مؤثر افتد که فرد را تحریک به ارتکاب جرم کند. به‌عبارت‌دیگر، میل به ارتکاب جرم را در وی به وجود آورد، نه اینکه صرفاً زمینه وقوع جرم قصد شده متهم را فراهم کند.

از روش‌های معمول دیگر دام‌گستری، استفاده از میکروفن، ضبط صوت و دوربین عکاسی در ادارات و همچنین سلول‌های زندان است، مثل موردی که برای دستگیری کارمند دولتی که متهم به ارتشا است به نصب دوربین مخفی در اتاق وی اقدام نمایند (گلدوزیان، ۱۳۸۲). این شیوه نظارت و مراقبت بر امور کارگزاران در اسلام نیز به‌عنوان یکی از موارد مجاز تجسس محسوب گردیده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۶). هرچند که این مورد را نمی‌توان دام‌گستری تلقی نمود، چراکه همان‌طور که ذکر گردید مأمور دولت باید مداخله فعالانه داشته باشد و این مداخله فعالانه منجر به تحریک فرد به ارتکاب جرم گردد و صرف نصب دوربین هیچ‌گونه اثری در ارتکاب جرم توسط شخص موردنظر نخواهد داشت. از روش‌های مرسوم دیگر ظاهرسازی و فریب متهم است، چنانکه دیوان کشور فرانسه در پرونده معروف ویلسون قاضی تحقیقی را که به‌قصد غافلگیری و به‌اشتباه انداختن متهم و کسب اقرار و تحصیل دلیل، صدای دوست وی را تقلید کرده بود، محکوم کرد (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷).

در روش دیگر ممکن است که مأمور پلیس شخص دیگری را واسطه قرار دهد تا مرتکب را اغفال، فریب یا تحریک کند. در این مورد که در حقوق آمریکا^۲ شناخته می‌گردد، علم یا جهل آن فرد ثالث نیز مطرح می‌گردد، مؤثر در مسئولیت شخص ثالث و مرتکب و

^۱ Facilitation Offence

^۲ Unsuspecting middlemen

مأمور پلیس است. نکته قابل بحث در این رابطه این است که آیا در مواردی که مأمور پلیس شخص دیگری را واسطه قرار می دهد نیز امکان توسل به دفاع دام گستری وجود دارد یا خیر؟ در این مورد دو فرض قابل تحقق است. نخست اگر فرد ثالث جهل داشته باشد که اقدامش تحریک دیگری به ارتکاب جرم است و این جهل وی ناشی از اقدامات پلیس باشد، اقدام وی به مثابه اقدام مأمور پلیس بوده و امکان توسل به دفاع دام گستری موجود است. دوم اینکه شخص ثالث علم داشته باشد که اقدامش موجب تحریک دیگری به ارتکاب جرم است یا اینکه جهل وی به این امر ناشی از اقدامات پلیس نباشد که در این صورت امکان توسل به دفاع دام گستری وجود ندارد، چراکه یکی از شرایط توسل به چنین دفاعی این است که شخص تحریک کننده یا اغفال کننده مأمور دولت باشد، چنانکه در ایالت متحده نیز عقیده بر این است که فقط در مورد اول امکان توسل به دفاع دام گستری وجود دارد. علاوه بر این، در صورتی که شخص ثالث به تحریک دیگری به ارتکاب جرم عالم باشد، طبق بند یک ماده ۱۲۶ ق.م.ا معاون در جرم محسوب گردیده و مجازات معاون در مورد وی اعمال می گردد.

کشف جرم و تحصیل دلیل بر عهده دادسرا است که با ارجاع تحقیق از سوی آنان به ضابطان دادگستری، ضابطان مکلف به جمع آوری هرگونه اطلاعات مفید به کشف حقیقت می باشند. این مرحله از مراحل حساس آئین دادرسی کیفری بوده که امکان تضییع و تفریط حقوق و آزادی های متهم وجود دارد (آخوندی، ۱۳۸۰، ص ۴۸). موضوعی که موجب نگرانی می گردد این است که در برخی مواقع مقامات قضایی و پلیس برای کشف جرم و تحصیل دلیل، ممکن است به استفاده از ترفندهایی متمایل شوند که مشروعیت این گونه ترفندها جای بحث خواهد بود. گاهی اوقات اثبات بزهکاری متهم دشوار بوده، نتیجتاً باید برخی از اقدامات بازجویی را پذیرفت، اما عدالت نباید به خاطر استفاده از ترفندهای قابل سرزنش که عموماً ویژگی خیلی متقلبانه آن تهدیدی برای حقوق دفاعی فرد است، به مخاطره بیفتد.

کشف جرم به شیوه دام گستری از جمله شگردهایی است که زیر عنوان عملیات پلیس مخفی بررسی می گردد. انجام این اقدامات توسط پلیس برای کشف جرم به شیوه های مختلف صورت می گیرد که در قبل ذکر گردید. حال سؤالاتی در این رابطه مطرح می گردد. آیا دام گستری و به کارگیری حيله و تقلب و اغفال و فریب متهم توسط مقامات

قضایی و ضابطان دادگستری قانونی و مشروع است یا خیر؟ آیا این مقامات مجاز به استفاده از چنین روش‌هایی می‌باشند؟ آیا دلایلی که به این طرق تحصیل می‌گردند، از ارزش اثباتی برخوردارند؟

الف) از نظر تطبیقی در حقوق فرانسه قاضی کیفری نمی‌تواند اعتقاد باطنی خود را بر اموری متکی سازد که در جریان رسیدگی به‌طور قانونی تحصیل نگردیده است. در این کشور، دادگاه‌ها استفاده از روش‌های متقلبانه در تحصیل دلیل را محکوم می‌نمایند. دیوان این کشور دریکی از آرای خود که در آن به محکومیت انتظامی یکی از قضات نیز اشاره نمود چنین اتخاذ تصمیم کرده است: کرامت انسانی برحسب اینکه آدمی در چه مرتبه‌ای از لحاظ سلسله‌مراتب اجتماعی قرار گرفته باشد، توقعات خاص خود را دارد. قاضی از نتایج به‌دست‌آمده از اقدامات افراد زیردست خود که هرگونه وسیله‌ای از جمله حيله و خدعه را به کار می‌گیرند، صورتش برافروخته نمی‌شود، اما او مجاز نیست که خود را به سطح آنان تنزل داده و همان شیوه‌ها را به کار گیرد (آشوری، ۱۳۷۶).

ژوس معتقد است که: «قاضی باید از به کار بردن حيله و نیز سخنان مزورانه به‌منظور غافلگیر ساختن متهم پرهیز نماید و چنانکه حقیقت مستلزم استفاده از مهارت و تردستی فراوان باشد، این امر همواره باید بدون فریب و اغفال و به‌گونه‌ای انجام یابد که بزهکار را از نمایش‌های ساختگی و وحشت‌زا نترساند، قاضی هرگز نباید مرتکب عملی برخلاف عدالت شود و گرنه مستوجب کیفر خواهد بود». در حقوق ایتالیا قانون‌گذار محدودیت‌هایی را در زمینه تحصیل دلیل قائل شده است تا آنجا که قاضی نمی‌تواند اقناع وجدانی خود را به هر دلیل و به هر صورت که تحصیل شده باشد، استوار سازد، لذا کلیه دلایل اعم از نوین و سنتی باید به‌گونه‌ای تحصیل گردد که قانونی بودن آن‌ها محل تردید نباشد؛ بنابراین، تحصیل دلیل باید به شیوه‌های صحیح قانونی و با رعایت اصول اخلاقی و ضوابط حاکم بر ضرورت رعایت کرامت به عمل آید.

ب) برخلاف حقوق سایر کشورها که سعی در کشف جرائم و تعقیب مجرم دارند، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم روشی است که به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است.

بزه پوشی و جلوگیری از افشاء جرم بر اساس مدارک و ادله موجود در کتاب و سنت مورد تأکید حقوقدانان اسلامی بوده است. چنانکه قرآن کریم، اشخاص را از تجسس در

امور دیگران نهی نموده است (سوره مبارکه حجرات آیه ۱۲). امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه در نامه شماره ۵۳ مقرر می‌نماید: «... مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار کنی و ... پس چند آن که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان.^۱»

در توجیحات بزه پوشی در سیاست جنایی اسلام آورده‌اند که اولاً کشف و آشکار شدن جرم غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است و این امر موجب عادی شدن جرم و ضعف حساسیت‌های عمومی نسبت به جرم خواهد شد، ثانیاً حفظ کرامت و سرافرازی موقعیت انسانی اقتضای آن را دارد که جرمی را که شخص در نهان مرتکب می‌گردد نباید آشکار ساخت، زیرا کشف و آشکار ساختن آن منجر به کسر شأن و شرافت و حیثیت وی می‌گردد.

به نظر می‌رسد که نمی‌توان طرفدار آزادی مطلق دام‌گستری توسط مأمورین یا ممنوعیت مطلق آن بود، چراکه آزادی مطلق آن مضر به حقوق افراد است و ممنوعیت مطلق آن نیز حقوق جامعه را به خطر می‌اندازد. پیشنهاد نگارنده چنین است که دام‌گستری را اصولاً باید ممنوع دانست، مگر در مورد برخی جرائم، از جمله جرائم سازمان‌یافته و فراملی و جرائم ارتكابی توسط مجرمین حرفه‌ای چراکه به‌کارگیری روش‌های معمول در کشف جرم در مورد این جرائم و مجرمین مؤثر واقع نگردیده و اقتضای این جرائم چنین است که مأمورین در کشف آنان به طرقی چون دام‌گستری روی آورند، البته آن‌هم در صورت قانونمند ساختن چنین روش‌هایی و گرنه در حال حاضر توسل به چنین روش‌هایی نه تنها غیرقانونی و غیرمجاز بوده، بلکه منجر به مسئولیت مأمور مربوط هم می‌گردد.

در مورد مسئولیت مرتکب به دام افتاده نیز باید قائل به تفکیک شد. درجایی که دام‌گستری منجر به زائل شدن عناصر جرم گردد، دیگر محملی برای مجازات متهم وجود نخواهد داشت، چراکه جرمی محقق نشده است تا مجازاتی صورت گیرد ولی در غیر این صورت باید میان مرتکبین مختلف تمایز قائل گشت و با توجه به پرونده شخصیت متهم تصمیم‌گیری نمود. همچنان در حقوق آمریکا نیز تنها متهمینی قادرند به دفاع دام‌گستری استناد کنند که آمادگی به ارتکاب جرم موردنظر را نداشته باشند. با دلایل تحصیل شده از طریق دام‌گستری نیز طبق قوانین ذکر شده در فصول مختلف

^۱ - نهج البلاغه، ۱۳۸۵، انتشارات طرز روان، ص ۴۰۵

مقاله قابل استناد تلقی نمی‌شوند و مأموری که چنین طرقي را در کشف جرم به کار می‌برد، طبق قواعد معاونت در ارتکاب جرم مسئول است. همچنین طبق قوانین خاص، چنین اقداماتی ممکن است تخلف محسوب گردد.

نتیجه گیری

اتخاذ یک سیاست جنایی مؤثر و هماهنگ که همواره خلأ آن از عمده‌ترین عوامل ارتکاب جرائم در سطح فراملی و بین‌المللی و در قالب سازمان‌یافته تلقی می‌شود. در پرتو اعمال و اجرای این قاعده یعنی حمل و تحویل تحت نظارت خنثی‌شده و حداقل روند صعودی خود را از دست خواهد داد، لیکن نیل به این هدف جز در پرتو همکاری و هماهنگی کشورهای مختلف محقق نخواهد شد. این در حالی است که متأسفانه در خصوص مقتضیات و موانع جذب و ادغام تحویل کنترل‌شده محموله در نظام‌های کیفری کشف جرم و دستگیری بزهکاران از مظاهر عمده اصل صلاحیت سرزمینی نظام‌های کیفری داخلی است، به طوری که قوانین کیفری هیچکشوری قابلیت اعمال و اجرا در کشور دیگر را نخواهد داشت و عدم اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در این زمینه مبین ضعف و ناکارآمدی دولت‌ها در کشف جرائم و اتخاذ تدابیر مناسب در مقابل آن است، بنابراین، دولت‌ها در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در تمامی موارد تأکید داشته و به هیچ‌عنوان حاضر به واگذاری آن به دول دیگر و یا صرف‌نظر کردن از آن حتی به طور جزئی نیستند، زیرا همان‌طور که گفته شد عدم اعمال و یا صرف‌نظر کردن از آن برای دولت‌ها به منزله ضعف و ناکارآمدی‌شان است.

بحث حمل و تحویل تحت نظارت نیز از آن دسته مقوله‌هایی است که برای اعمال آن دولت‌ها ناگزیر از صرف‌نظر کردن از اصل صلاحیت سرزمینی و عدم اعمال آن به منظور مبارزه مؤثر و کشف و شناسایی کامل عوامل دخیل در آن می‌باشند، زیرا طبق این روش به منظور دستگیری یکجای بزهکاران در قالب گروه‌های مجرمانه متعدد که در هر مرحله از جرم تعداد جدید وارد عملیات می‌شوند، کشورهای مبدأ، مسیر عبور و مقصد باید همکاری الزاماً از قسمتی از اصل صلاحیت سرزمینی خود صرف‌نظر کنند. بدین معنا که به محض ورود گروه‌های مجرمانه و یا محموله قاچاق اقدام به کشف و دستگیری بزهکاران نکرده و تا شناسایی بزهکاران و رسیدن کامل محموله به کشور مقصد وارد عملیات اجرایی نشوند.

بنابراین، عامل عمده عدم پذیرش تحویل کنترل شده محموله در کشورهای مختلف و به ویژه دول عضو کنوانسیون‌های مربوطه، صرف نظر کردن از اصل صلاحیت سرزمینی در چارچوب ملی آن‌ها است. این در حالی است که بزهکاری جهانی شدن نیز جز در پرتو اعمال اتخاذ روش‌هایی از این قبیل محقق نخواهد شد، زیرا همان‌طور که پیش‌تر گفته شد با جهانی شدن بزهکاری و فراملی شدن و سازمان‌یافتگی در ارتکاب آن لازم است که سیاست جنایی مبارزه با این جرائم نیز جهانی شود تا آنجایی که حتی دولت‌ها در جهت مبارزه مؤثر با این نوع جرائم از قسمتی از مهم‌ترین اصول سرزمینی خود مثل صلاحیت سرزمینی عدول و اتخاذ سیاست جنایی هماهنگ را محسوب نمایند و این همان چیزی است که گروه‌های سازمان‌یافته جنایی را در پیشبرد اهدافشان ترغیب و تشویق می‌کند، به طوری که امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل روند روبه رشد بزهکاری جهانی شده عدم هماهنگی و همگرایی لازم میان دولت‌ها در مسیر مبارزه با آن‌ها به شمار می‌رود.

حمل و تحویل تحت نظارت که با انعکاس در اسناد بین‌المللی به‌عنوان روشی در خنثی‌سازی روش‌های جدید ارتکاب جرم توسط بزهکاران در سطح جهانی و به شکل سازمان‌یافته در وارد کردن عوامل جدید در مراحل مختلف ارتکاب جرم پیش‌بینی شده است، از جمله روش‌هایی است که باید الزاماً در قوانین دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مربوطه پیش‌بینی و اعمال شود، لیکن عامل عمده عدم پذیرش آن در قوانین داخلی از سوی برخی دولت‌ها تعارض این مقوله با اصل صلاحیت سرزمینی کشورها است. این امر به ویژه در دولت‌هایی که اصولاً مخالف پیشروی فرایند جهانی شدن می‌باشند، پررنگ‌تر است. این در حالی است که مبارزه مؤثر علیه بزهکاری فراملی جز در پرتو اتخاذ یک سلسله اصول مشترک و گذشتن از برخی اصول و قواعد سرزمینی از سوی دولت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا پیشنهاد دارد:

۱- اجرایی نمودن کنوانسیون بین‌المللی هماهنگی کنترل‌های مرزی کالاها و مقاومت‌های موجود در جهت اعطای مدیریت واحد در مبادی رسمی، به‌ویژه اجرای طرح پنجره واحد^۱ در گمرکات کشور در قالب سند همکاری میان کشورهای مبدأ و مقصد در جهت توسعه روش حمل و تحویل تحت نظارت؛

۲- اجرای طرح نظام کدینک (دیجیتال)^۲ به‌عنوان سیستم یکپارچه‌سازی استانداردهای کدگذاری جهانی، جهت امکان شناسایی کالاهای غیرمجاز و امکان ردیابی این کالاها را

^۱. single window

^۲. GS1

- از لحظه ورود به کشور تا سطح عرضه (حمل و تحویل تحت نظارت)؛
- ۳- تشدید اقدامات مقابله‌ای در دریا و کنترل مرزی با استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح و استفاده حداکثری از دستورالعمل کنترل انتظامی تردد شناورها و آب‌های داخلی و سرزمینی در جهت ساماندهی اسکله‌ها و شناورها، در جنوب کشور استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح در رصد و کنترل مرزهای خاکی و آبی؛
- ۴- امکان استفاده از فناوری‌های کارآمد و تجهیزات و امکانات پیشرفته کنترلی در گمرکات در جهت استقرار آسیکودای جهانی در تمامی گمرکات کشور و ساماندهی ترانزیت کالا با روش حمل و تحویل تحت نظارت؛
- ۵- تقویت و تجهیز مرزها به تجهیزات و فناوری‌های روزآمد (سامانه‌های دیده‌بان‌های مرزبانی و شناسایی تصویری هوشمند)؛
- ۶- تنظیم تفاهم‌نامه همکاری‌های مشترک با رده‌های اطلاعات و عملیات ارتش، در جهت اشرافیت اطلاعاتی و کنترل مؤثر بر مرزها؛
- ۷- استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مرکز تسهیل تجارت و تجارت الکترونیک ملل متحد^۱ و توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی در جهت ارتقای بهره‌وری گمرکات؛
- ۸- توسعه فعالیت‌های دیپلماسی با گمرکات کشورهای همسایه در جهت جلوگیری از تخلفات و مبارزه با قاچاق کالا در جهت پذیرش اصل صلاحیت سرزمینی.

^۱. UN CEFAC

فهرست

۱. آخوندی، محمود، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم: قم: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم ۱۳۸۰.
۲. آشوری، محمد، «عدالت کیفری»، انتشارات گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۶.
۳. پورنوری، منصور، «صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های عمومی و مصونیت قضایی دیپلماتیک و کنسولی»، مجله حقوقی قضاوت، شماره ۳۰، ۱۳۸۴.
۴. گلدوزیان، ایرج، «ادله اثبات دعوی»: انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
۵. رشیدی، محمدمهدی، «راهکارهای بین‌المللی پیشگیری از قاچاق کالا از طریق روش حمل و تحویل تحت نظارت»، پایان‌نامه، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ۱۳۹۶.
۶. سلیمی، صادق، «چکیده حقوق جزای عمومی»، انتشارات جنگل، چاپ دوم. ۱۳۹۴.
۷. سلامت، رضا، «بررسی مصادیق قاچاق کالا و ارز از منظر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد سمنان. ۱۳۹۴.
۸. میرمحمد صادقی، حسین، «صلاحیت دولت‌ها و رسیدگی به جرائم بین‌المللی»، سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۹۲.
۹. نهج‌البلاغه، انتشارات طرز روان، ص ۴۰۵، ۱۳۸۵.

“Supervised transport and delivery”: a successful strategy in criminal policy for preventing international smuggling of goods.

Reza Salamat¹, Ali Safari², Zakia Barzkar³

Received:2022/03/01 Accepted: 2022/06/13

Abstract

Given the globalization of the crime of commodity smuggling, is not conceivable a strategy other than the organized control of this crime in the light of a coordinated and international criminal policy. 'Supervised transportation and delivery' of illicit cargoes is among the strategies outlined in international documents to facilitate the apprehension of all criminal groups involved in the commission of a crime at the transnational level, However, it will not be feasible without states coordination. Given the expansion of globalization of criminality within the framework of globalization of the economy, transnational crimes within the context of organized criminal groups has gradually led to the growing trend and quickly attracted everyone's attention due to their organized nature. Among the examples of transnational organized crimes, it is possible to point out the cleansing of the factors caused by the crime of commodity smuggling, which is one of the instances of the criminal law transformation in interaction with international documents related to a new interpretation of the principle of territorial jurisdiction of criminal law. These transformations represent a change in the perspective on the principle of territorial jurisdiction, influenced by the aforementioned documents, aiming for a more effective fight against the crime of smuggling and It acknowledges that the transportation of such illicit commodity, from the point of origin to the place of distribution and consumption, involves crossing various territories that has led to the establishment of new legal concepts in states known as 'supervised transportation and control,«which have been embraced in their laws and regulations for more effective combat against smuggling.

Key words: supervision, professional ethics, judges, comprehensive ethical;

¹. Vice President of Prevention of the General Department of Prevention and Combating Trafficking in Goods and Currency of the State Penalty Organization (author in charge)

². Assistant professor and faculty member of Shahid Beheshti University Faculty of Law

³. Attorney